



۲۰۲۲/۰۴/۱۲



م. نعیم بارز

چند توضیح مختصر پیرامون «صحبتی هنگام خاک سپاری مرحوم ولی احمد نوری گرامی» که قبلاً به نشر رسیده است!

برای اینکه نشود در اذهان بعضی ها سوء تفاهم و برداشت غلط رخ دهد، خواستم بدینوسیله قدری روشنی اندازم:

در قسمت ماموریت مرحوم پدر آقای نوری که گفته شده: از سوی وزارت خارجه افغانستان در مسایل تجارت و قرار داد های اقتصادی بین دو کشور از طریق سفارت روسیه شوروی سابق صورت می گرفت، متأسفانه در اثر کدام دسیسه و توطئه پدر آقای نوری چند صباحی زندانی شده بودند. به صراحت باید گفت: طوریکه بعداً ثابت شده واقعاً به اساس غفلت و یا مخالفت ها و بدون ارزیابی و رسیدگی لازم در حق وی بی عدالتی صورت گرفته بوده که بالاخره واقعیت و حقیقت بی گناهی آن ثابت شده و از زندان رهایی یافته و همزمان روابط آن شخصیت مدافع منافع ملی با مقامات دولت افغانستان به حالت عادی برگشته و اعتبار و اطمینان بیشتر از پیش بین شان مستحکم می گردد، چنانکه این رابطه در زمان تحصیل آقای نوری در مکتب استقلال و دوستی وی با دو پسر محمد ظاهر شاه که از سوی دوکتور عثمان تره کی که در آن وقت شاگرد مکتب استقلال بوده ند و اکنون در تسلیت نامه ای عنوانی فامیل آقای نوری از سوی وی تذکر رفته است، ثبوت این مدعاست.

و همچنان پس از تحصیل آقای نوری در فرانسه و برگشت به افغانستان و تقرر او به حیث مدیر پست پارسل و بعد بحیث رئیس در وزارت مخابرات به خوبی حسن اعتماد میان آقای نوری و دولت و روابط دوستانه با خانواده شاه را می رساند.

در قسمت نکته دوم که : گفته شده آقای نوری در یک زمان تلخی فقر و در زمان دیگر مزه زندگی نسبتاً مرفه را چشیده اند، جای تردید نخواهد بود زیرا در کشور فقیری چون افغانستان حتی پادشاه از این امر مستثنی نبوده چنان که خود در یکی از مصاحبه هایش گفته با آنکه «پدر شان آدم کلانی بوده در محلی بنام خیابان شهر کابل در یک اطاق بزرگ همه فامیل باهم زندگی میکردند و زمانیکه یکی به مرضی مثل ریزش مبتلا می شد، زود بد یگران نیز سرایت میکرد» یعنی حتی ظاهر شاه در دوران پادشاهی خود زندگی پر جلال و جبروت مثل شاه ایران و شاهان عرب نداشت.

در قسمت اینکه آمده است: خانه پاریس ۱۴ آقای نوری به مثابه سفارت خانه واقعی برای افغان ها مبدل شده بود، بدین معناست که آقای نوری در پاریس به عنوان یک شخصیت طرف اعتماد و احترام اکثر افغان ها بودند و از دو دیدگاه در آن خانه رفت و آمد صورت می گرفته است، البته تا زمانیکه حکومت خلقی و پرچمی تحت حمایت دولت شوروی قرار داشت و تا بعد از اینکه قشون متجاوز شوروی با شکست شرم سار از

افغانستان بیرون رفت و بدنبال آن حکومت دست نشانده آن نیز سقوط کرد، نه آقای نوری قدم به سفارت گذاشته و نه سفیر و اعضای سفارت جرأت رفتن به خانه آقای نوری را داشتند.

اما زمانیکه به اصطلاح حکومت مجاهدین به رهبری برهان الدین ربانی در کابل روی کار آمد و جنگ های میان گروهی بر سر قدرت به راه افتاد از آن زمان به بعد عناصر مربوط به مجاهدین و افغان های طرف دار شاه بخاطر داشتن رابطه و نزدیک بودن موضع آقای نوری با شاه به خانه شان رفت و آمد می نمودند، البته از دو دیدگاه این تماس ها به عمل می آمده : از یک سو عناصر دولت تلاش داشتند تا با استفاده از روابط وسیع آقای نوری با افغان ها برای جلب و جذب آنها به دفاع از حکومت ربانی در کابل بهره گیرند و یا هم به مقصد بر قرار کردن پل ارتباط میان خود شان و شاه در روم از آن طریق استفاده نمایند.

خلاصه شاه بیت نوشته قبلی من به مناسبت خاک سپاری آقای نوری گرامی این بوده که وی از میان هر کار و عمل خود جهت اقدام به تاسیس و مدیریت دو سایت بسیار با کمیت زیاد و کیفیت کم نظیری کرده اند که از دید این نگارنده چنین کاری را می توان شاخص درک و درایت و نشانگر عفتش و علاقه ای شان نسبت به مردم و کشورش به حساب آورد.



برای مطالب دیگر م. نعیم بارز روی عکس کلیک کنید